



## رویکرد دانشگاه اخلاق مدار در رویارویی با فضای مجازی با توجه به اخلاق باور

محمدجعفر جامه بزرگی<sup>۱</sup>

### چکیده

براساس تئوری اخلاق باور، باورهای انسان به مثابه فعل ارادی و اختیاری، تحت چارچوبها و گزاره‌های اخلاقی قابل ارزشگذاری است و اساساً معرفت سرشتی اخلاقی دارد. از دیدگاه اخلاق باور، از آنجاکه باورها پیش‌ران هرگونه فعلی ارادی محسوب می‌شوند، افراد در مواجهه با باورها، به نحو اخلاقی و وظیفه‌گرایانه می‌بایست با تحقیق کافی در قرائن و شواهد، نسبت به پذیرش یا رد آن باور اقدام کنند. از سوی دیگر و از نقطه نظر فلسفه اسلامی فضای مجازی از جهت آثار و تبعات واقعی که ایجاد می‌کند، خود یک واقعیت عینی است. این واقعیت عینی در دو حوزه باورها و اعمال انسان تأثیر جدید و قابل توجهی را ایجاد نموده است. بر این اساس دانشگاه اخلاق مدار در قبال اساتید، دانشجویان و کارمندان از حیث این افعال، وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی دارد. در این مقاله با ترسیم خطوط اخلاق باور در دیدگاه اسلامی، نشان داده می‌شود می‌توان راهکاری‌هایی هنجاری در مواجهه با فضای مجازی برای تحقق دانشگاه اخلاق مدار ارائه داد. این مقاله ضمن بازخوانی چارچوب اخلاق باور در دیدگاه اسلامی، این ضوابط را در فضای مجازی تبیین می‌نماید.

**کلید واژه‌ها:** اخلاق باور، باورمندی، تقلید، فضای مجازی، معرفت

۱ - عضو هیئت علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، نویسنده مسئول، چهارراه ولیعصر، خیابانوفل لوشاتو، کوچه آراکلیان، پلاک ۴، [jamebozorgi@irip.ac.ir](mailto:jamebozorgi@irip.ac.ir)

## مقدمه

بی‌تردید پیشران هرگونه تعامل و رابطه مبتنی بر دانشگاه سالم، صالح و مصلح، دمیدن روح اخلاق در سطوح مختلف آن است. از این منظر در مناسبات علمی، فرهنگی و اجتماعی میان اقشار مختلف دانشگاهی و به هنگام تبادل دیدگاه‌ها، باورها، عقاید و... نقش اخلاق باور و وضوح بیشتری می‌یابد. این موضوع زمانی اهمیت دوچندان می‌یابد که به نقش نامحسوس شکل-گیری باورها از طریق فضای مجازی عنایت بیشتری شود. فضای مجازی یکی از دستاوردهای مهم تکنولوژی و یکی از آثار مستقیم مدرنیسم غربی است که بر پایه‌هایی همچون انسان محوری، آزادی همه جانبه، اعتماد حداکثری به عقل بشری، اصالت فرد، نسبی‌گرایی و پیشرفت‌باوری بنا شده است. بنیان‌هایی که در هیچ موردی و نه حتی در آثار و نتایجش مورد پذیرش اسلام نیست. زیرا این مبانی خود معلول تحولات فکری، اجتماعی، دینی و سیاسی عمیقی بوده است که هرگز در بستر دنیای اسلام روی نداده است. اما آنچه اهمیت بسزایی دارد این است که فارق از تمایزات دو تمدن اسلامی و غرب، فضای مجازی امروز به عنوان یکی از ابزارهای مهم ارتباطات مورد استفاده همگانی است. تا جایی که به یکی از دغدغه‌ها و مسائل اصلی برای متولیان تعلیم و تربیت تبدیل شده است. اصولاً فضای مجازی چیست؟ نسبت آن با فرد و جامعه به عنوان مخاطب چگونه تعریف شده است؟ آیا همه گروه‌های سنی می‌توانند مخاطب چنین فضایی باشند؟ آیا فضای مجازی خود مخاطبین خودش را رده بندی نموده است یا اینکه این مساله معلق مانده است؟ این پدیده با افکار و رفتارهای ما چه می‌کند؟ آیا مواجهه با افکار، باورها، اعتقادات و زمینه‌های رفتار فردی و اجتماعی که در فضای مجازی به اشتراک گذاشته می‌شود نیازمند مهارت‌های خاصی است؟ آیا این مهارت‌ها از جنس مفاهیم اخلاقی هستند یا صرفاً حالات ذهنی هستند؟ مجموعه سوالاتی از این قبیل زمانی اهمیت می‌یابد که بدانیم امروز در عصر تالاقی ارتباطات و مصرف‌گرایی هستیم. مصرف‌گرایی بطور عام شامل تمام کالاهای مادی، فرهنگی، تربیتی، اخلاقی و دینی است که در فضای ارتباطات جمعی و از طریق رسانه‌های مختلف عرضه می‌شود. ما در این مقاله مجال پاسخگویی به تمام سوالات مطرح شده را نخواهیم داشت. از این رو با عطف توجه به تعریف و توصیفی که از فضای مجازی خواهیم داشت، به مسئله چالش‌های بنیادین باورمندی در فضای مجازی خواهیم پرداخت. به عبارت دیگر مساله ما این است که با فرض اینکه فضای مجازی باورهای بسیار مختلفی را عرضه می‌کند از سوی دیگر این باورها پیشران اعمال افراد است، سهم اخلاق در این باورمندی در دانشگاه چیست؟ در این راستا ابتدا مفاهیم اخلاق باور را در دیدگاه حکما و فیلسوفان اسلامی بازخوانی می‌کنیم، سپس با بررسی دیدگاه آنان در خصوص تعلیم

و تربیت، زمینه‌های مواجهه با چالش‌های فضای مجازی در امر تعلیم و تربیت را تبیین و از رهگذر آن توصیه‌های این بزرگان را بازتعریف می‌نماییم. رویکرد ما در این مقاله فلسفی و روش ما توصیفی-تحلیلی خواهد بود. ساختار این مقاله در سه بخش ارائه خواهد شد. در بخش نخست به تعریف فضای مجازی از نظر حکمت اسلامی می‌پردازیم. در بخش دوم مفاهیم اصلی اخلاق باور را به طور اجمالی مورد بررسی قرار می‌دهیم. در بخش سوم نظرات و دیدگاه‌های حکمای اسلامی را در چارچوب اخلاق باور بازخوانی می‌کنیم.

### روش‌شناسی

روش نویسنده در جمع‌آوری داده‌ها، استفاده از اطلاعات و مدارک موجود از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و جمع‌آوری مقالات موجود در صفحات الکترونیکی مجلات علمی پژوهشی بوده است. از آنجا که در بیشتر مطالعات و پژوهش‌های مربوط به حوزه علوم انسانی کیفی است، در این پژوهش نیز روش کیفی و به صورت توصیفی-تحلیلی مورد استفاده قرار گرفته است.

### چیستی فضای مجازی و رابطه آن با اخلاق باور

#### انسان و ویژگی‌های فضای مجازی

در هستی‌شناسی فلسفه اسلامی، وجود به دو نحوه وجود رابط و مستقل تقسیم شده است (سبزواری، ملاحادی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۳۸-طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۱). وجود رابط وجودی است که حیثیت وجودی‌اش چیزی جز پیوند نیست و به سخنی رساتر وجود رابط وجودی نیست که با موجود دیگری در ارتباط باشد، بلکه خودش عین ربط و پیوند است. در مقابل وجود مستقل وجودی است که عین استقلال و خودبسنده باشد. از این منظر، یگانه وجود مستقل، وجود خداند متعال است و ماسوی‌الله جملگی وجودات رابط هستند (طباطبایی، محمدحسین، ۱۳ نه‌ایه الحکمه، ص ۲۸). دامنه و گستره مفهوم ربط بر همه موجودات سایه افکنده و از سوی دیگر کثرت واقعی در هستی نشان از ارتباط منسجم این کثرات با یکدیگر زیر سایه مفهوم گسترده‌ای به نام اصل علیت دارد (مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۳). بر این اساس، موجود رابط چون هیچ از خود ندارد در سایه وجود مستقل معنا و مفهوم می‌یابد. از همین رو قرآن حکیم از موجودات تحت عنوان آیه نام برده است، زیرا آیه پیش و بیش از خود اشاره به صاحب آیه دارد و در سایه ذوالآیه است که خود نیز صاحب نام و نشان می‌شود (جوادی آملی، ). برآیند چنین دیدگاهی این است که انسان چه در ذات و هویت و چه در شخصیت بیرونی بدون مفهوم ارتباط هیچ معنای محصلی ندارد. این روابط در چهار رابطه اصلی منحصر می‌شود که عبارتند از رابطه با خود، رابطه با خدا، رابطه با خلق و رابطه با خلقت

و طبیعت. در واقع انسان در دنیا را مجموعه روابطی شکل می‌دهد که او بطور آگاهانه ارادی و اختیاری ایجاد نموده است. از این رو می‌توان گفت پیش فرض بحث از انسان در ساحت معرفت شناختی، اخلاق و همینطور تعلیم و تربیت مسئله ارتباطات اوست (همو، ج ۳، ۱۵۷، همان، ج ۱۰، ص ۴۶۲). این ارتباطات در انضمامی‌ترین شکل خود در رابطه انسان با هم نوعان خود و به شکل حضور در خانواده، مدرسه، گروه‌های دوستی و... و بطور عام در جامعه شکل می‌گیرد. ایجاد این روابط خود به واسطه فطرتی خدادادی است که انسان بودن انسان را از حیث کمالات ذاتی تضمین می‌کند<sup>۱</sup>. به این معنی که انسان به طور فطری و برای نیل به کمال و شکوفایی استعدادهای خویش به طور آگاهانه و ارادی به ایجاد این روابط گرایش دارد. اما گاهی ممکن است در شکل دادن به این روابط از فطرت الهی خویش فاصله گرفته و روابط ناسالم و غیر صحیح ایجاد کند. به همین دلیل سعی آموزش و پرورش اسلامی، تعالی انسان و سوق دادن او به سوی حیات طیبه‌ای است که در تعلق و ربط به خدا معنی می‌یابد و ضامن درستی و سلامت سایر روابط دیگر او در زندگی دنیوی است. شکل‌گیری این روابط در گذشته نه چندان دور و هنوز هم در برخی مناطق به صورت سنتی، چهره به چهره و حضور در مراسمات و... بوده است. اما بخش عمده‌ای از ایجاد روابط و شکل‌گیری تربیتی شخصیت انسان به تدریج از حوزه‌های سنتی ارتباط فاصله گرفته و امروز در ساحت نوینی انجام می‌گیرد. این ساحت همان فضای مجازی است که مهمترین ابزار نوین ارتباط بین فردی است که امروزه قدرت و ارزش آن در دنیای معاصر تردید ناپذیر است. اما مساله مهم این است که فضای مجازی در حقیقت چیست؟ به عبارت دیگر وقتی می‌گوییم فضای مجازی، نخست مشخص شود، تعریف ما از آن چیست و این تعریف دقیقاً به چه واقعیتی اشاره می‌کند و ثانیاً ویژگی‌های ذاتی آن چیست؟

اصل واقعیت به مثابه موضوع فلسفه، هنگامی که به وجود یا موجود اطلاق می‌شود، همانا توانایی علی در ایجاد اثری متمایز از دیگری است. به بیانی دیگر، وقتی سخن از واقعیت‌دار

۱ - ذکر این نکته ضروری است که انسان پیش از دنیا و انسان در دنیا روابطی دارد که خارج از حوزه اختیار اوست، و این روابط پیشینی بر روابط پسینی او تأثیر به‌سزایی دارد. به عنوان نمونه پدر و مادر و نسب و وراثت از جمله روابطی است که شخص در آن اختیار و تصرفی نداشته است. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید

به: طباطبایی، محمد حسین ۱۳۸۸، انسان از آغاز تا فرجام، قم: بوستان کتاب قم

۲ - انسان دارای دو نوع کمال ذاتی و اکتسابی است.

بودن یا غیر واقعی بودن چیزی به میان می‌آید، ملاک و ضابطه فلسفی در تشخیص آن، این است که موجود آن چیزی است که واجد منشأیت اثر است. بنابراین در اصطلاح مفهوم مجازی، مجاز در اضافه به فضا، امری اعتباری، بی اثر، فاقد تحقق خارجی لحاظ نمی‌شود. بلکه چنانچه ملاحظه می‌شود، در مقابل فضای قابل لمس و حسی فیزیک به کار رفته، اما خود واجد آثار عینی و ملزومات آن است. در واقع فضای مجازی جایگزین شکل سنتی ارتباطات بشری - از قبیل نامه، کارت پستال، عکس، کتاب و... است. بر این اساس همانطور که اشیاء فیزیکی واجد اثر بوده و وجود واقعی دارند، اشیاء در فضای مجازی نیز واقعیت دارند. فضای سایبر در مفهوم فضا، مانند فضای فیزیکی، چهار مفهوم فرعی (حداقل) را شامل می‌شود که عبارتند از: مکان، فاصله، اندازه و مسیر. و این درست همان چارچوب فضای فیزیکی است که در فضای مجازی نیز معتبر است (bryant, R, 1992. P142). اینکه مفهوم فضا در اصلاح «فضای مجازی» ذاتی دارد مستقل از اشیاء دیگر (به معنای فیزیک نیوتنی) یا اینکه امری نسبی و در ارتباط اشیاء با یکدیگر معنا می‌یابد (به معنای انشتینی) یا اینکه امری است غیر تجربی و پیش ساخته ذهن (به معنای کانتی آن) مسئله‌ای است که - اگرچه پردامنه و با اهمیت - اکنون مطمح نظر این مقاله نیست. اما به نظر می‌رسد نمی‌توان تعریفی ذات‌گرایانه از آن به دست داد. در عوض می‌توان به ویژگی‌های آن پرداخت.

از دریچه شناخت ویژگی‌ها، فضای مجازی عرصه‌ای آزاد است تا هر فرد و گروهی در کم‌ترین زمان و بیشترین دامنه تأثیر، پیام خود را منتقل یا پیام دلخواه خود را دریافت کند. در واقع فضای مجازی و اینترنت با در اختیار قرار دادن امکانات ارتباطی سریع، ارزان و جذاب، مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و با سرعتی بالا، افراد، باورها و فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و نوعی یکسان‌سازی را در پیش می‌گیرد. این مسئله شاید یکی از ابزارهای جهانی‌سازی در نظر گرفته شود. فضای مجازی همچنین خصیصه‌هایی دارد که از آن خود فضای مجازی نیست، بلکه در اتصاف شخص به فضای مجازی معنا می‌یابد. مهمترین خصیصه فضای مجازی از نظرگاه فلسفه اسلامی، رها سازی فرد از قید مکانبندی و زمانمندی است که خصیصه مشترک آن با فضای ذهن بطور عام و خیال، به شکل خاص است. به عبارت دیگر ویژگی مهم فضای مجازی این است که شخص را از محدودیت‌های جسمانی و بدنی رها می‌سازد. این رهایی به ایجاد یک شخصیت جدید در فضای مجازی منجر می‌شود که بسیار مورد توجه فیلسوفان اگزیستانسیالیسم بوده است. به این معنی که فرد از واقعیت خود گسسته می‌شود و به صورت انتزاعی و فارغ از حقیقت خود، با نقابی بر چهره، در فضای دیگری ظاهر می‌شود. شاید اگر بخواهیم از نظر اسلامی به این مساله توجه کنیم می‌توانیم بگویم در

این فضا بیشتر افراد از خود گسیخته شده و دچار نفاق می شوند که همان شکاف شخصیتی است. این به این معنا است که وقتی فرد از ارتباطات واقعی خود با دیگران احساس ناراضایتی می کند، از تحقق خودش گریزان شده، و چیزی را محقق می سازد که دیگر خودش نیست و البته این مسئله ریشه در تعلیم و تربیت فرد و همینطور باورهای او دارد. در این فضا بیشتر افراد رنگ و بوی واقعی خود را از دست داده و حالت میان مایگی به خود می گیرند. این به این معنا است که فضای مجازی هویت و فردیت اشخاص را دچار تزلزل می کند و این دومین ویژگی مهم فضای مجازی است. بنابراین دو چالش و اثر مهم فضای مجازی را می توان تحت عنوان رهاسازی فکر و ذهن و از سوی دیگر از خود بیگانگی و میان مایگی تعبیر کرد. بخش مهمی از این حالت میان مایگی در تردید در باورهای پیشین، تمایل به باورهای نادرست، تساهل و بی تفاوتی به باورهای راستین و انعطاف پذیری بیش از حد در پذیرش هر باوری ... جلوه گر می شود. این حالات در رفتار و اخلاق شخص به اشکال مختلف بروز و ظهور می کند و نهایتاً به یک نوع سبک زندگی خاص در گویش، پوشش، خوراک، بهداشت جسمی و جنسی، اوقات فراغت و... منجر می شود (جلالی، علی اکبر؛ ۱۳۸۲، صص ۴-۹).<sup>۱</sup> فضای مجازی در واقع به نوعی پلورالیزم یا همان تکثرگرایی در باورها و از این طریق به بیانگری های تازه، به وجود آمدن سبک های زندگی خارج از عرف شناخته شده، فرآورده های شخصی و حتی رفتارهای خطرناک اجتماعی تبدیل می شود. پذیرش تکثرگرایی خود حالتی از رهاسازی شخصیتی و پذیرش میان مایگی و از دست دادن قدرت تشخیص و اراده فردی است که بر عدم پذیرش مسئولیت افراد در قبال باورها و رفتارهایشان نیز دامن می زند. بر این اساس از آنجا که باورها، در حقیقت سامانه و موتور محرک عزم و اراده ما در سایر شئون زندگی است، مهمترین چالش در فضای مجازی در عدم شکوفایی استعداد های نوجوانان که هدف اصلی تربیت اسلامی محسوب می شود همانا پذیرش و یا رد باورها، بی پروایی در اظهار برخی باورها و ترس و کتمان برخی دیگر از آنها بدون رعایت موازین اخلاقی مربوط به باور است که اثرات فردی و اجتماعی جبران ناپذیری را به دنبال دارد. بنابراین و بر اساس نوعی تاخر و عقب ماندگی اخلاقی که در فضای مجازی باعث بسیاری از ناهنجاری ها و حتی بزهکاری ها در نسل نوجوان ما شده است، ضروری است به بازخوانی اخلاق باور در فضای مجازی به

<sup>۱</sup> - جلالی در مقاله خود اسباب های فضای مجازی را در سه بعد اخلاقی، پزشکی و فرهنگی - اجتماعی

عنوان راهکاری عملی در برابر چالش‌های آن بپردازیم. به نظر نگارنده اگر این راهکارها مورد استفاده قرار گیرد آنگاه در دیدگاه اسلامی فضای مجازی وسیله و ابزار انتقال حقیقت شده و بلکه خود تبدیل به حقیقت خواهد شد.

### چارچوب مفهومی اخلاق باور

بنابر یکی از تعاریف معروف و پذیرفته شده در فلسفه اخلاق، گزاره اخلاقی هر گزاره‌ای است که مربوط به یکی از افعال آگاهانه، ارادی و اختیاری انسان باشد که به یکی از مفاهیم ده گانه باید و نباید، خوب و بد، درست، نادرست، وظیفه، مسئولیت، فضیلت و رذیلت متصف شده باشد (ابوالقاسم‌زاده، مجید، ۱۳۹۶، ص ۱۰۴ - ملکیان، مصطفی، ۱۳۹۰، ص ۵). این افعال ارادی و اختیاری انسان خود به دو بخش افعال درونی و افعال بیرونی تقسیم می‌شوند. افعال بیرونی افعالی هستند که بصورت عینی قابل مشاهده هستند و مورد ارزشگذاری توسط دیگران قرار می‌گیرند. در مقابل افعال درونی در ساحت روح و ذهن روی می‌دهد و از این رو لایه پنهان رفتار ما را شکل می‌دهد.

بر این اساس ضوابط اخلاق صرفاً به ارزشگذاری در مورد افعال بیرونی ما نمی‌پردازد، بلکه بر روح و ذهن ما نیز سیطره دارد. می‌توان گفت با توجه به تقدم ارزشی ساحت روح بر بدن، تربیت صحیح و رعایت اخلاق و در ساحت روح و ذهن زمینه‌ساز تربیت شایسته در ساحت بیرونی و افعال جسمانی نیز هست. چه اینکه در ادبیات دینی ما هر فعل انسانی دارای دو مولفه حسن فاعلی و حسن فعلی است و حسن فاعلی همواره مقدم بر حسن فعلی و سنگ بنای قبولی هر فعلی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۱۹). قسمتی از افعال درونی ما مربوط به حوزه تفکر، باور و معرفت است. افکار و باورهای ما نقش بسیار مهمی در تربیت، ایجاد شخصیت، نحوه رفتار، سبک زندگی و روابط اجتماعی افراد ایفاء می‌کنند. بنابراین چه پیش‌تر بیان شد، فضای مجازی عرصه تبادل و به اشتراک‌گذاری حجم وسیعی از افکار و باورهای متنوع در قالب‌های مختلف است و تاثیراتی عمیق بر نحوه سبک زندگی و رفتار مخاطبان خود می‌گذارد. حال سوال اینجاست که آیا اخلاق در اینجا نیز سخنی برای گفتن دارد؟ آموزه‌های اخلاق باور در تربیت فضای ذهن و تفکر چیست؟ و آیا اسلام در این خصوص آموزه‌هایی ارائه داده است؟ برای این منظور ابتدا اخلاق باور و چارچوب مفهومی آن توضیح داده خواهد شد.

ویلیام کینگدان کلیفورد (William Kingdon Clifford)، فیلسوف انگلیسی در اواخر قرن ۱۹، برای اولین بار مفهوم اخلاق باور را عنوان کرد. او در مقاله‌ای به همین نام، قاعده‌ای را بیان می‌کند که طبق آن «همیشه، همه جا و برای همه، اشتباه است که براساس شواهد و

قرائن ناکافی به چیزی معتقد شود» (Clifford. W. k, 1877: p295). قاعده دیگر او این است که: «همیشه و در همه جا و برای همه، این اشتباه است که شواهد مربوط به عقاید خود را نادیده گرفته یا شواهد مربوط را به شکلی آسان رد کند» (ibid). در اینجا مراد کیلفورد از خطا، خطای اخلاقی است نه معرفتی، به عبارت دیگر از نظر او باور به چیزی بر اساس شواهد و قرائن ناکافی از حیث اخلاقی نادرست و خطاست. این بُعد اخلاقی نتیجه این واقعیت است که باور صرفاً یک امر شخصی یا چیزی که قابل تفکیک از دیگر جنبه‌های حیات انسان باشد، نیست. در واقع، باورهای یک شخص نه تنها برای خود او، بلکه برای دیگران نیز پیامدها و نتایجی را دربر دارد (ibid: 292). در واقع، کیلفورد بر ارتباط درونی میان باور و عمل تاکید دارد. یک سوال اساسی در اخلاق باور این است که آیا باورهای ما مانند رفتارهای ما ارادی و اختیاری است و تحت کنترل ماست و یا اینکه ما هیچ کنترلی بر آنها نداریم و از اختیار ما خارج است؟ براساس تعریف - مورد پذیرش حداکثری از - معرفت به «باور صادق موجه»، در فرایند معرفت، پذیرش باور - به نحو کلی، ضروری و دائمی - می‌بایست برپایه شواهد و قرائنی باشد که موجه بودن آن را تأمین نماید. به همین دلیل کیلفورد به این مسئله توجه می‌دهد که چرا عموم مردم باورهایشان در زمینه‌های مختلف به ویژه دین، اخلاق و سیاست را بدون تکیه بر قرائن و شواهد کافی مطرح می‌کنند و از اینکه دیگران هم به همین شکل دعای‌شان را بپذیرند احساس رضایت می‌کنند؟ آیا اعتماد بر یک باور براساس شواهد ناکافی و همینطور رد باوری دیگر براساس شواهد ناکافی خطایی اخلاقی نیست؟ این همان سرشت اخلاقی باور است که کیلفورد بر آن اصرار دارد. حتی ممکن است شخص با وجود همه شواهد و قرائن موجه یک باور از پذیرش آن سرباز زند. اینجا ارادی و به تبع آن اخلاقی بودن پذیرش یا رد باور نمود بیشتری می‌یابد (جوادپور، ۱۳۹۶، ص ۶۵). قرآن کریم نیز در مواضعی عدم پذیرش باور با وجود قرائن و شواهد کافی را گناه و یک رفتار غیر اخلاقی برشمرده است: وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا اَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عَلَوْا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (نمل، ۱۴).

در هر جامعه همواره هستند افرادی که توانایی کافی برای مدیریت هیجانات و افکار خود را ندارند و بر اثر یک باور غلط و نابجا دست به انجام اعمالی ناشایست زده و در نتیجه خود یا دیگران آسیب‌های جدی بزنند. این مهم در مسئله پذیرش باورهای دینی، تمایل به گروه‌های اجتماعی، پذیرش سبک‌های زندگی، جهت‌گیری‌های سیاسی و... اهمیت فراوان دارد. هر خواست و اراده‌ای مبتنی بر آگاهی و باوری است که آن را پشتیبانی می‌کند و بنابراین خواست بدون آگاهی یا خواست مبتنی بر باور بدون شواهد کافی نوعی ابتذال در رفتار و زندگی است.



اگرچه کلیفورد دیدگاه خود را در جهت نفی باورهای دینی به کار می‌برد به گونه‌ای که دیدگاه او امروز به قرینه‌گرایی حداکثری شناخته می‌شود<sup>۱</sup>، اما پیام دیدگاه او برای آنچه قشر فرهیخته جامعه نامیده می‌شود بسیار پر اهمیت است. مسئله کلیفورد این نیست که باور به گزاره یا عقیده‌ای صادق است یا کاذب، بلکه تمام مسئله این است که علت به وجود آمدن چنین باوری در این شخص چیست؟ آیا از دیدگاه اخلاقی این علت برای چنین باوری کفایت معرفتی دارد؟ و آیا این فرد در داشتن چنین باوری وظایف اخلاقی خود را به انجام رسانده است؟ عموم مردم در مواجهه با چنین پرسشی، همه یا بیشتر باورهای خود را به نحو پیشینی معلول علل روانشناختی مانند ترس، تقلید، تلقین، القاء، خوشایندگرایی، قومیت‌گرایی، حزب‌گرایی، کبر و غرور و رزوی، لجاجت، تعصب، تعبد، خصلت زودباوری، و... می‌یابند و کمتر در افق باورهای خود دلیلی عقلی و یا شواهد کافی و عقل‌پسند می‌بینند.

تمدن و فرهنگ اسلامی به مثابه تمدنی متنی، بر محور متنی محکم و قویم چون قرآن پدید آمده است که در دل آن به تفکر و عقلانیت تأکید فراوان شده است (خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۱، ص ۱۱۳). پذیرش هر باوری خارج از محدوده عقل مذموم و باطل برشمرده شده است. براساس متن قرآن، خداوند از پیروی و متابعت هر چیزی که بدان علم و یقین نداریم نهی می‌کند و به انسان دستور داده است: از چیزی که به آن علم نداری، (بلکه علمی که برگرفته از شنیده‌ها، ساده‌نگری‌ها، خیالات و اوهام است) پیروی مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل (که ابزار علم و شناخت واقعی‌اند) مورد بازخواست اند (اسراء، ۳۶). انسان سلیم الفطره در مسیر زندگی هیچوقت از پیروی علم منحرف نمی‌شود، و دنبال ظن و شک و وهم نمی‌رود، چیزی که هست یا در مسائل مورد حاجت زندگی شخصاً علم و تخصص دارد که همان را پیروی می‌کند، و یا علم کسی را پیروی می‌کند که وثوق و اطمینان و یقین به صحت گفته‌های وی دارد (نحل، ۴۳)، هر چند چنین یقینی را در اصطلاح برهان منطقی، علم نمی‌گویند (طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۲۷). همچنین قرآن علم از طریق ظن و گمان و آن باوری را که هوای نفس تمایل دارد درست بیندارد را فاقد ارزش می‌داند (نجم، ۲۳ و ۲۸- طباطبایی، پیشین، ج ۱۹، ص ۶۱). همچنین قرآن پذیرش باور را بدون شواهد و قرائن کافی ناپسند شمرده

۱ - فیلسوفان و حکمای اسلام گرچه قرینه‌گرا به معنای مورد نظر کلیفورد هستند اما باورهای دینی را دارای قرینه لازم و کافی می‌دانند. حتی در میان متفکران غربی قرینه‌گرایانی مانند دکارت، لایب‌نیتس، لاک، و... باورهای دینی را واجد قرینه کافی می‌دانند. قرینه‌گرایی حداکثری در قرن نوزدهم و بیشتر توسط ملحدان و لادری‌گرایان حمایت می‌شد. برای مطالعه رجوع کنید به: جوادپور، غلامحسین، ۱۳۹۶، سرشت اخلاقی

به جستجوی شواهد دستور می‌دهد(حجرات، ۶). تمدن و تفکر اسلامی حتی تقلید را نیز محققانه می‌خواهد(جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۵۶۶).

به نظر حکمای اسلامی گزاره‌های اخلاقی در سه ساحت قابل رصد و بررسی است: ساحت افعال، ساحت صفات و ساحت اندیشه‌ها(مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲۲، ص ۲۸۸). شیخ الرییس درباب چگونگی تولد نتیجه از مقدمات برهانی، نتیجه را اگرچه فعل ضروری و خارج از اراده نفس شخص می‌داند، اما پذیرش آن را ارادی می‌داند(ابن‌سینا، ۱۴۰۴، ص ۱۱۷). این همان مطلبی است که قران در مواجهه کفار با باورهای الهی به آن اشاره کرده و می‌گوید اگرچه به این مطلب یقین و باور دارند اما از سر ظلم و برتری جوئی آن را رد می‌کنند(نمل، ۱۴). بنابراین از نظر ایشان می‌توان به نحو معناداری از باور اخلاقی یا غیر اخلاقی سخن گفت. برپایه همین دیدگاه و از آنجاکه باور به مثابه یک فعل ارادی و اختیاری است، بنابراین یک نوع وظیفه اخلاقی بر آن مترتب است.

ابن‌سینا به عنوان رئیس الحکما هرگونه باور برپایه شواهد ناکافی را به شدت تقبیح نموده و در مقام نهی از آن به کسانی که خود را روشنفکر می‌شمارند می‌گوید:

ایاک ان یکون تکیسک و تبرؤک عن العامه هو ان تنبری منکرا لکل شیء فذلک طیش و عجز و لیس الخرق فی تکذیبک ما لم یستبن لک بعد جلیه دون الخرق فی تصدیقک به ما لم تقم بین یدیک بینة بل علیک الاعتصام بحبل التوقف و ان ازعجک استنکار ما یوعاه سمعک ما لم تبرهن استحالتک لک فالصواب ان تسرح ۱ امثال ذلک الی بقعه الامکان ما لم یذک عنه قائم البرهان(ابن‌سینا، ۱۳۷۴، ص ۱۶۱)

زنهار مبدا که برای اظهار زیرکی و فهم خود و نشان دادن مزیت و دوری خود از عامیان چنان باشی که هر چه را بر تو عرضه کنند انکار کنی و آن را فضیلتی بدانی که این انکار خود قسمتی از زبونی و سبکسری است. احمقی و نادانی آن کس که هر چه را بشنود بی تحقیق دروغ انگارد، کمتر از آن کس نیست که هر چیز را بشنود بی دلیل باور دارد و آن را راست پندارد.

بر تو باد که اندر رشته تحقیق و تأمل چنگ زنی و نیک بنگری و چندان درنگ کنی که احوال راست و دروغ هر چیز بر تو با دلیل و برهان آشکار شود. بنابراین هر چه را بشنوی هر چند عجیب و مستنکر آید بی درنگ انکار مکن تا محال بودن آن چیز بر تو روشن و مبرهن گردد.

<sup>۱</sup> (۱) - یسرح: خ. فعل سرح در عربی لازم و متعدی هر دو آمده و اعراب کلمه (امثال) برفع و نصب هر دو

پس در امثال این امور (یعنی عجائب و غرائب طبیعت) صواب این است که آن را در بقعه امکان گذاری، مادام که برهان و دلیل قطعی ترا از آن باز ندارد. یعنی باید که هر آنچه بشنوی نخست در آن نیک بنگری تا راست و دروغ آن با دلیل بر تو پیدا گردد آنگاه آن را به راست انگاری و باورداری، یا به دروغ شماری و انکار کنی (ابن سینا، ۱۴۲۵، ص ۲۷). ابن سینا یک عقل‌گرایی تمام عیار است و پذیرش هر باوری بدون دلیل را خروج از جرگه انسانیت می‌داند. با این وجود در مواجهه با برخی باورهای دینی مانند معاد جسمانی این قید را اضافه می‌کند که اگرچه دلیلی عقلی بر آن نیافتیم اما چون از سوی نبی مصدق که نبی بودنش به برهان عقل اثبات شده است به ما عرضه شود، آن را می‌پذیریم (ابن سینا، ۱۴۰۴، ص ۴۲۳). این یکی از مصداق تقلید محققانه در روش علم است. ملاصدرا نیز در اسفار اربعه پذیرش باورها از طریق تقلید، زودباوری، ظن، تعصب، تلقین، عناد و لجاجت، خوشامدطلبی، راحت طلبی و... را مذموم و غیر اخلاقی برشمرد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۲۰-۲، ص ۱۸۲- ج ۶، ص ۸- ج ۷، ص ۲۰۴).

براین اساس عوامل غیر معرفتی که همان عوامل روحی و روانشناختی هستند می‌توانند بر باورمندی انسان تاثیر گذاشته و باور صادقی را کاذب یا باور کاذبی را مطابق با واقع جلوه دهند. از این رو متفکران اسلامی بر رعایت اخلاق باور در هر موضعی به مثابه یک وظیفه اخلاقی تأکید نموده‌اند. براساس چنین دیدگاهی اگرچه ممکن است شخص از حیث معرفتی باوری درست داشته باشد اما از حیث اخلاقی به دلیل نبود معیارهای زیر مرتکب خطای اخلاقی شده است. این مسئله متأسفانه در قشر علمی و دانشگاهی نیز رسوخ نموده است و فضای مجازی نیز با دامنه گسترده خود، در ایجاد یا از بین بردن باورهای مخاطبان خود شدت عمل بیشتری دارد. آیا دانشگاه به مثابه یک جامعه زنده، که حیاتش در گرو وجود انسان‌های سالم و صالح است، وظیفه اخلاقی نسبت به اعضای خود ندارد؟ اساساً یکی از وظایف اخلاقی دانشگاه اخلاقمدار، آموزش وظایف اخلاقی در محور باور به مخاطبین خود است. این معیارها از نظر ویلیام جیمز به دو دسته عوامل روانشناختی و جامعه‌شناختی تقسیم شده‌اند که امروزه دو دانش روانشناسی معرفت و جامعه‌شناسی معرفت را شکل می‌دهند (ملکیان، ۱۳۸۸، اخلاق باور، ص ۵). ملاک‌های فیلسوفان اسلامی البته فاقد این دسته بندی است ۱. با این حال به برخی از مهمترین این ملاک‌ها اشاره می‌شود.

۱ - مجید ملایوسفی و همکاران در مقاله مطهری و اخلاق باور به بررسی ملاک‌های شهید مطهری در اخلاق باور پرداخته‌اند. در بررسی آثار شهید مطهری ایشان نیز به خوبی از عهده ان برآمده‌اند اما ما در این مقاله

قرینه‌گرایی و روحیه تحقیق

در فرهنگ اسلامی شعار «نحن ابناء الدلیل نمیل حیث یمیل» یکی از مهمترین تأکیدها بر داشتن روحیه تحقیق و جستجو در قشر علمی جامعه است. روح علمی یعنی روح حقیقت‌جویی، روح بی‌غرضی و طبعاً روح بی‌تعصبی، روح خالی از جمود و روح خالی از غرور برای یافتن قرائن کافی در پذیرش یا رد یک باور (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۲، ص ۷۱۳). از همین رو بوده است که ابن‌سینا و پیروانش را حزب الحق و اصحاب العقل نامیده‌اند (ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۳۰۳). ابن‌سینا درباره پذیرش باور بدون شواهد می‌گوید من قال او سمع بغیر دلیل لخرج عن ربقه الانسانیة: کسی که چیزی را بگوید و بشنود بدون دلیل، چنین شخصی از گروه انسان‌ها خارج شده است. (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۵۳). در آموزه‌های قرآنی نیز این مطلب در برخی آیات قابل رصد است. قرآن از مومنان می‌خواهد درباره هر باوری که از سوی افراد ناشناس یا فاسق عرضه می‌شود تحقیق و تفحص کنید و بی‌دلیل نپذیرید (حجرات، ۶). این به این معناست که در فضای مجازی در صفحاتی که عناد آنان با آموزه‌های دینی و عقلی روشن است و یا به نشر موضوعات غیراخلاقی می‌پردازند نباید بدون دلیل به عقائدی که مطرح می‌کنند باورمند شد. به عبارت دیگر اگر بخواهیم این ملاک را در قالب اخلاق باور در فضای مجازی بازخوانی کنیم باید بگوییم هر چیزی را که در فضای مجازی می‌خوانیم نباید فوراً باور کرد و به اشتراک گذاشت، بلکه باید درباره صحت و منبع آن تحقیق شود و با دلیل پذیرفته یا رد شود. بی‌توجهی به این ملاک خسارات جبران‌ناپذیری به فرد و اجتماع وارد خواهد کرد.

#### ۱- پرهیز از گروه‌گرایی و قوم‌گرایی

از نظر فرهنگ علمی اسلام، مطلوب‌های گروهی، حزبی، قومی و به طور کلی قضاوت‌های دیگران نباید ملاک توجیه درستی یا نادرستی باوری باشد. قرآن تعبد و سرسپردگی بی‌دلیل به باورهای قومی و حزبی و ترس از تنها ماندن ناشی از همراهی نکردن گروه مطلوب را مذموم می‌شمارد: فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْراً كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (مومنون، ۵۳). ترس از تنها ماندن، تمسخر شدن و یا تحقیر شدن و پذیرش کورکورانه

---

این ملاک‌ها را از نگاه حکمای اسلامی و در باب فضای مجازی بررسی کرده ایم و بیشتر به بسط آن پرداخته ایم. برای بررسی اثر ایشان رجوع کنید به:

ملا یوسفی، مجید و دیگران، مطهری و اخلاق باور، نشریه حکمت معاصر، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۹۱، صص ۱۱۹-۱۴۰

عقاید حزبی و گروهی صرفاً به خاطر اینکه این گروه یا قوم مطلوب و خوشایند ماست، یک نوع بیماری روانی است که بر روی باورها تاثیر می‌گذارد. به این ترتیب شخص در فضای مجازی به نوعی وادادگی و انعطاف‌پذیری می‌رسد و هرگز به باور درستی نخواهد رسید. امام باقر علیه‌السلام در حدیثی از جابر می‌خواهد که مراقب آراء و نظرات مذاهب مختلف باشد و صرف خوشامد با نظرات دیگران همراهی نکند و عقاید گروه‌ها او را از مسیر راست منحرف نکند: یا جابر لا تذهبن بک المذاهب (کافی، ج ۲، ص ۷۲).

### ۲- پرهیز از تقلید

یکی دیگر از توصیه‌های اخلاقی در باورپذیری افراد تلاش برای خلاصی از تقلید و پیروی از اکثریت است. بخصوص در فضای مجازی وقتی شخص با انبوه طرفداران یک باور از سوی شخص خاصی مواجه می‌شود نباید استقلال فکری خود را از دست بدهد و اسیر و مقلد آن باور بشود. این مساله خسارت‌های جبران‌ناپذیری در امر تربیت افراد و رفتارهای اجتماعی آنها برجای می‌گذارد.

خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

تقلید یک عامل روانشناختی است که شخص به دلیل ضعف و عدم استحکام در باورهای خود و ترس از طرد شدن و تنها ماندن یا در نقطه ضعف قرار گرفتن به پذیرش باور دیگران که در اکثریت هستند روی می‌آورد. امام علی علیه‌السلام در خطبه‌ای به مردم می‌فرماید: أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهَا (نهج البلاغه، خطبه ۲۱). کم بودن افراد در مسیر حق تو را از طی کردن آن در میان انبوه گمراهان نترساند. در عین حال این نکته اساسی است که تقلید مذموم همان پذیرش بی‌چون و چرای نظر اکثریت است، اما تقلید ممدوح خود باوری محققانه است.

### ۳- تعلیق پیش‌فرض‌ها و پرهیز از تعصب

یکی دیگر از عوامل بسیار مهم در باورمندی، تعلیق پیش‌فرض‌ها، عدم دخالت آنها در فرآیند معرفت، و پرهیز از لجاجت و تعصب در پذیرش باور است. به گفته مولانا:

خشک مغزی و تعصب خامی است تا جینی کار خون‌آشامی است

در آثار حکمای بزرگ چون ابن‌سینا و ملاصدرا، مواردی از دانشمندانی را نشان می‌دهند که علیرغم قدرت استدلال بالا و دقت و موشکافی در مسائل علمی و عقلی، در پاره‌ای از مسائل به دلیل لجاجت و تعصب مذهبی، و داشتن پیش‌فرض‌های غیرقابل‌انکار، از فهم درست و پذیرش باور سرباز زده و بی‌هیچ دلیلی به مخالفت با آن می‌پردازند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴، ص ۱۷۹- ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۵۴). در فضاهای مجازی نیز روحیه تعصب

و لجاجت مانع از باورمندی مبتنی بر دلیل شده و در شکوفایی استعدادهای الهی و تربیت فردی و اجتماعی افراد تاثیر منفی برجای خواهد گذاشت.

#### ۴- پرهیز از زودباوری

شهید مطهری معتقد است افراد زودباور و خوش باور علاوه بر این که هر باوری را از هر کس و هر جا بدون دلیل و تحقیق و ارزیابی می پذیرند، در مجموعه باورهای خود دچار ناسازگاری و تشویش هستند و همین موضوع در رفتارهای فردی و اجتماعی آنها تاثیرات بسیار منفی برجای می گذارد. از هر جا هر چه را دیدند جمع می کنند و برایشان فرقی نمی کند، همه را هم پس می دهند، بدون اینکه فکر بکنند این جور در می آید یا جور در نمی آید. به این ترتیب از نظر شهید مطهری چنین افرادی در فضای مجازی دچار پلورالیزم و تکثرگرایی در باورها می شوند و در نتیجه شخصیتی دوگانه یا چندگانه می یابند که در رفتارهای روزمره آشکار می شود (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲۲، ص ۵۳۹: به نقل از مایوسی و دیگران).

#### ۵- شنیدن سخن مخالف

مرحوم مطهری با استناد به آموزه قرآنی تاکید می کند که همواره فهم بر نقد تقدم دارد. به این معنی که برای نقد یک باور و اعتقاد لازم است ابتدا آن را خوب فهمیده باشیم و برای فهم درست باید گوش شنوا داشت (همان، ص ۶۹۳). آنچه در اخلاق باور در فضای مجازی لازم می آید این است که اگر قرار است باوری را رد یا بپذیریم نباید هنوز دلایل را گوش نداده بگوییم باور نداریم. ابتدا بر اساس «الذین یستمعون القول» گوش می دهیم و سپس بر مبنای «یتبعون احسنه» (زمر، ۱۸) با تجزیه و تحلیل خوب و بدش را سنجیده و از بهترین آنها پیروی می کنیم (همان). به این ترتیب اتخاذ چنین ملاکی یک شخصیت محکم و منسجم را از شخصیت فرد به نمایش می گذارد و مانع از میان مایگی فرد در فضای مجازی می شود.

#### ۶- عدم تعبد و سرسپردگی

از نظر اخلاق باور، باورها و دلایل آنها می بایست جدا از گوینده آن مورد ارزیابی قرار گیرند. زیرا اولی یعنی باور یک مساله معرفت شناختانه است در حالی که دومی یک بحث روانشناختی است و خلط این دو با یکدیگر ممکن است آسیب جدی در باور و زندگی افراد ایجاد کند. از نظر فیلسوفان اسلامی عظمت شخصیت کسی یا کوچکی افراد نباید ملاک درستی یا نادرستی باور باشد. به عبارت دیگر حق و باطل تابع گوینده آنها نیست (مطهری، سیری در نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۹). علی ابن ابی طالب (علیه السلام) در مواجهه با شخصی

که دچار سرگردانی در تشخیص حق شده بود، معیار حق را خارج از شخصیت افراد دانسته و تعبد و سرسپردگی به خاطر عظمت شخصیت افراد را نکوهش می‌نماید: انک لملبوس علیک، ان الحق و الباطل لا یعرفان باقدار الرجال، اعرف الحق تعرف اهله و اعرف الباطل تعرف اهله (نهج البلاغه، حکمت‌ها، ۲۶۲). بنابراین در تربیت افراد برای مواجهه با فضای مجازی لازم است این نکته مورد سفارش واقع شود. به این ترتیب یک نکته فرعی بر این مورد می‌توان اضافه نمود و آن اینکه می‌توان گفت افراد در فضای مجازی باید سعی کنند بین شخصیت واقعی و محتوای مطالبشان ارتباط باشد و نباید دیگران بواسطه مطالب منتشر شده دچار قضاوت غلط و اشتباه در مورد فرد بشوند. هر چند این مساله در درستی یا نادرستی باورها تاثیر مستقیمی ندارد اما در واقع مجموعه مطالبی که در فضای مجازی منتشر می‌شود قطعات پازلی هستند که تصویر فرد را در ذهن دیگران می‌سازد. از این رو ممکن است افراد بخاطر حس رهاشدگی در فضای مجازی چهره دیگری از خود به نمایش بگذارند و خود به خود از خویشتن اصیل فاصله گرفته به نوعی نفاق و دو رویی دست بزنند که مانع بزرگی در جهت شکوفایی روحی و عقلی افراد محسوب می‌شود.

#### ۷- تهذیب نفس و پرهیز از بی‌پروایی

آخرین ملاک در اخلاق باور تهذیب و تزکیه نفس است. هرچند بخش عظیمی از اندیشه فلسفی امروز گناه و خطای اخلاقی را در مسیر کسب دانش بی اثر می‌داند<sup>۱</sup>، اما از نقطه نظر فلسفه و عرفان اسلامی هر چقدر فرد مهذب‌تر و متخلق به اخلاق حسنه باشد در فهم باورهای درست و پذیرش آنها و رد باورهای نادرست توفیق بیشتری داشته و کمتر دچار انحراف از مسیر شکوفایی استعدادهای الهی می‌شود و در عمل هم از آسیب‌های اجتماعی مصون تر خواهد بود. چنین شخصیتی در فضای مجازی دچار میان‌مایگی و از دست دادن خود اصیل نمی‌شود و با صلابت و عدم انعطاف ناپذیری از ورود باورهای نادرست به فضای فکرش جلوگیری می‌کند. بنابراین تجربه نشان داده و عقل نیز اثبات می‌کند که بقا و زوال باورها و همینطور روابط انسانی، وابسته به مبنای شکل‌گیری آنها است و تربیت اسلامی در این میان نقش بسیار بسزایی ایفا می‌کند. اگر باور افراد و روابط آنها با یکدیگر در هر فضایی بر محور خدا، معنویات و مبتنی بر اخلاق باور باشد، دلیلی برای اختلاف و

۱ - برای بررسی دو نظریه تاثیر یا عدم تاثیر گناه بر معرفت نگاه کنید به:

پورسینا، زهرا، تاثیر گناه بر معرفت، با تکیه بر آثار آگوستین قدیس، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی،

جدایی، سوء استفاده، خسران و آسیب های اجتماعی ... باقی نمی ماند. اما اگر باورها و علایق براساس منافع مادی و غیرخدایی شکل گرفته باشد، دیر یا زود منجر به اختلاف و افتراق و پشیمانی می شود.

### نتیجه گیری

فیلسوفان و حکمای اسلامی به پیروی از قرآن حکیم اخلاق را نه تنها ظرف دین، بلکه ظرف هر گونه باورمندی و عمل در دو بعد جزم و یقین در باورها و عزم و اراده در محور اعمال می داند و بنابراین اخلاق به لحاظ ارزشی، منطقی و ضروری مقدم بر هرگونه باور و عمل بر شمرده می شود. از سوی دیگر با تعریفی که از باور از منظر فلسفه اسلامی ارائه می شود نشان داده شد فرد در مواجهه با باورهای خود و دیگران وظایف و مسئولیت های اخلاقی برعهده دارد. این مسئولیت ها به عنوان تربیت اسلامی و تحت مهارت های زندگی اسلامی باید لحاظ شود و از این رو افراد تحت این تربیت برگرفته از مبانی اسلامی که منطبق بر فطرت الهی انسان است می توانند در هر فضایی از گزند آسیب های اخلاقی و اجتماعی مصون باشند. همچنین باتوجه به اینکه معیارهای اخلاقی همگی تابعی است از فطرت سلیم الهی بنابراین ملاک ها و ضوابط حضور در فضای مجازی نیز تابعی از فطرت الهی است که در دین اسلام به بهترین نحو تبیین شده است. براین اساس دانشگاه اخلاقمدار در ارائه راهکارهای اخلاقی خود، نباید از ساحت ذهن، معرفت و باورمندی مجموعه دانشگاهی غفلت ورزد. از همین رو دانشگاه اخلاقمدار می تواند از رهگذر آموزش چارچوب مفهومی و آموزه های اخلاق باور، هم در جهت کسب دانش و هم در جهت تعلیم و تربیت اقشار مختلف دانشگاهی از طریق ایجاد سرفصل درسی و یا ارائه کارگاه های آموزشی وظیفه اخلاقی خود را در مواجهه با فضای مجازی ایفا نماید.

### منابع

قران کریم

نهج البلاغه

ابن سینا(۱۴۰۴)، الیهیات من کتاب الشفاء، قم: مکتبه آیت الله مرعشی النجفی

ابن سینا(۱۴۰۴)، التعليقات، بیروت: مکتبه اعلام الاسلامیه

ابن سینا(۱۳۷۵)، الاشارات و التنبیهات، قم: نشر البلاغه

ابن سینا(۱۳۷۵)، شرح الاشارات و التنبیهات، قم: نشر البلاغه

ابن سینا(۱۴۲۵)، المجربات ابن سینا الروحیه، بیروت: موسسه النور للمطبوعات



- ابوالقاسم‌زاده، مجید(۱۳۹۶)، ماهیت گزاره‌های اخلاقی از دیدگاه جوادی آملی، نشریه رواق اندیشه، شماره ۴۶، صص ۱۰۰-۱۱۲
- پورسینا، زهرا، تاثیر گناه بر معرفت، با تکیه بر آثار آگوستین قدیس، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵
- جلالی، علی‌اکبر(۱۳۸۲)، آسیب‌شناسی فناوری اطلاعات در خانواده؛ پژوهشکده خانواده. جوادی‌پور، غلامحسین(۱۳۹۶)، سرشت اخلاقی معرفت، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- جوادی آملی(۱۳۹۳)، تفسیر تسنیم، قم: موسسه بین‌المللی اسراء
- خسروپناه، عبدالحسین(۱۳۸۱)، کلام جدید، قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمی
- سبزواری، ملاهادی(۱۳۶۹)، شرح منظومه، تصحیح حسن حسن زاده آملی، قم: انتشارات بیدار
- طباطبایی، محمدحسین(۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی
- طباطبایی، محمدحسین(۱۴۱۶)، نهاییه الحکمه، قم: مرکز نشر اسلامی
- طباطبایی، محمد حسین(۱۳۸۸)، انسان از آغاز تا فرجام، قم: بوستان کتاب قم
- کلینی، کافی، کتاب الکترونیکی، قم: موسسه تحقیقات الکترونیکی نورالحکمه
- ملکیان، مصطفی(۱۳۷۹)، اخلاق باور، قم: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- مصباح یزدی، محمدتقی(۱۳۷۹)، آموزش فلسفه، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)
- مطهری، مرتضی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۴
- مطهری، مرتضی(۱۳۸۸)، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا
- مطهری، مرتضی(۱۳۸۸)، سیری در نهج البلاغه، جلد ۱، تهران: انتشارات صدرا
- ملاصدرا(۱۹۸۱) الحکمه المتعالیه فی لاسفار الاربعه العقلیه، بیروت: دارالاحیاء التراث
- ملا یوسفی، مجید و دیگران(۱۳۹۱)، مطهری و اخلاق باور، نشریه حکمت معاصر، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۱۱۹-۱۴۰
- Clifford, W. K. (1877). "The Ethics of Belief", *Contemporary Review*, 29.
- Dole, Andrew and Andrew Chignell (eds.) (2005). *God and the Ethics of Belief, New Essays in Philosophy of Religion*, Cambridge University Press.
- Bryant, Rebecca.(2001), What Kind of Space is Cyberspace?, ISSN 1393-614X *Minerva - An Internet Journal of Philosophy* 5: 138-155.

## Regard Ethics University's Approach to syber Space to Ethics of Belief

Mohamad Jafar Jamebozorgi<sup>1</sup>

### Abstract

According to the theory of The Ethics of Belief, human beliefs as voluntary actions are valued under ethical frameworks and propositions, and essentially knowledge have ethical essence. From the perspective of ethics of belief, because beliefs are proponents of any voluntary acts, individuals in the face of beliefs must ethically and conscientiously admit or reject that belief with sufficient research into the evidence and documents. Nowadays, many beliefs that are not possible to emerge in the form of books, articles, etc., have become possible in cyberspace. In Islamic philosophy, cyberspace is itself an objective reality in terms of the actual effects it produces. This objective reality has created a significant new impact in the areas of beliefs and human actions. Accordingly, the university has ethical duties and responsibilities towards its professors, students and staff for the realization of ethical university. Drawing on the line's ethics of belief in the Islamic perspective, this paper shows that normative solutions to cyberspace can be presented as ethical tasks. This article, while reviewing the framework of ethics of belief in the Islamic perspective, explains these criteria in cyberspace.

**Keywords:** Ethics of belief, belief, imitation, cyberspace, knowledge